

چرا عقب مانده ایم؟

علم عقب ماندگی یا عقب ماندگی علمی

کوروش مرشد



نشر اشاره

مرشد، کورش، ۱۳۳۱.

چرا عقب ماندیم؟ علم عقب ماندگی یا عقب ماندگی علمی / کورش مرشد.

تهران: نشر اشاره، ۱۳۸۵.

ISBN - 964 - 8936 - 00 - 5

۲۰۰ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. علوم - ایران - جنبه های اجتماعی ۲. سیاست علمی - ایران.

۳. سیاست فرهنگی - ایران. الف. عنوان.

۳۰۳/۴۸۳-۹۵۵

Q۱۲۷/الف ۹۳۷

۸۴-۳۰۱۹۰

کتابخانه ملی ایران



نشر اشاره

چرا عقب مانده ایم؟

(علم عقب ماندگی یا عقب ماندگی علمی)

مرشد، کورش

لیتوگرافی: فام، چاپ و صحافی: سحاب

چاپ اول: ۱۳۸۵ شمارهگان: ۲۲۰۰

شابک: ۵-۰۰-۸۹۳۶-۹۶۴-۵ ISBN - 964 - 8936 - 00 - 5

نشر اشاره: تهران، خ انقلاب، خ ۱۶ آذر، خ پرفسور ادوارد براون شماره ۲۲

صندوق پستی ۱۱۷۷-۱۳۱۴۵ تلفن: ۶۶۴۱۶۲۲۴ تلفکس: ۶۶۴۱۸۹۱۱

حق چاپ محفوظ است.

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

۱	 مقدمه
۵	 فصل اول: چرا عقب مانده ایم؟
۷	 عقب ماندگی: پرسش همگانی
۱۲	 در جستجوی تحقق رنسانس
۱۴	 پیوند موهوم دین و حکومت!
۲۴	 آیا دین پیشرفت را ممانعت می کند
۲۶	 آیا کارکرد پروتستانیسم شکستن اتحاد دین و حکومت است
۳۰	 ظهور سرمایه داری پیش شرط توسعه!
۳۱	 آیا علم بعنوان کانون مدرنیته باید از قلب سنت به درآید
۴۴	 طرح پرسش وارونه
۴۷	 آثار حمله مغول بر پیشرفت ایران!
۵۱	 پیشداوریهای دیگر
۵۲	 نفت و استعمار، اسطوره کاذب
۵۶	 اعتقاد به دانش، گشاینده راهها

۵۷	جذب علم یعنی چه؟
۷۳	اندیشه علمی مترادف یافتن حقایق مطلق!
۷۵	نخبگان باید انتخاب کنند
۷۷	پی گیری اندیشه نیازی به جنگ ندارد.
۸۱	فصل دوم: عقب ماندگی یعنی عقب ماندگی در دانش
۸۳	علم: وجه تمایز جوامع سنتی و مدرن
۸۵	مدرنیته ظاهری
۸۸	تجربه ژاپن و هند
۹۳	ناتوانی در به کار بستن معلومات
۹۹	فصل سوم: ایرانیان در برخورد با ظواهر تمدن
۱۰۱	برتری علم توپ و تفنگ بر غیرت شمشیر
۱۰۹	تغییر خط و زبان چاره پیشرفت نبود
۱۱۰	خرید کارخانه به جای جذب دانش
۱۱۱	داشتن بانک و کمپانی و مجلس شورا نشانه پیشرفت نیست
۱۱۶	جذب امواج علم جدید، نکته کانونی
۱۱۹	فصل چهارم: رمز پیروزی: پرورش شرایط ظهور و گسترش دانش جدید
۱۲۱	سازماندهی سیاسی و تکنولوژی: دو بال تکامل
۱۲۴	قضیه مرغ و تخم مرغ!
۱۲۷	شکاف درآمد، شکاف علمی
۱۳۰	سهم کشورهای عقب مانده در تولید علم و تکنولوژی
۱۳۹	فصل پنجم: تکنولوژی یعنی آفریدن، یعنی انسان
۱۴۱	دانش جدید: درک قانونمندی گیتی
۱۴۳	نگاه جدید به جهان
۱۴۵	اندیشه پیشرفت - محصول علم جدید
۱۴۷	تکنولوژی مظهر علم جدید
۱۵۰	ورود تکنولوژی بدون دانش پایه: اشتباه کشورهای عقب مانده
۱۵۳	تجربه ایران
۱۵۵	حضور خارجی ها راهگشاست؟

۱۵۸	یک گزارش حیرت انگیز.....
۱۵۹	یک مثال روشن.....
۱۶۳	پس انتقال تکنولوژی یعنی چه؟.....
۱۶۷	فصل ششم: مسئولیت ملی نخبگان.....
۱۶۹	دغدغه نخبگان ما چیست؟.....
۱۷۱	پاسخ به پرسش آلن تورن.....
۱۷۳	پتروشیمی، یک تجربه عبرت آموز.....
۱۷۵	پس از ۱۵۰ سال اولویت‌ها رانمی‌شناسیم.....
۱۷۷	وظیفه‌ی نخبگان.....
۱۷۹	زیر ساخت علمی با جنگ و کودتا از بین نمی‌رود.....
۱۸۰	اصلاح دینی شرط لازم!.....
۱۸۲	دموکراسی دیگر شرط لازم!.....

مقدمه

تقدیم به آقایان دکتر کریم مجتهدی و دکتر عبدالحسین نوایی که از روزگار دور بر این نکته تاکید گذارده‌اند.

بسیاری بر نوشته‌ها خرده گرفته‌اند که در آنها مسایل اساسی به عمد فراموش شده است. ضمن نهایت سپاس از یادآوری‌ها، این سوشنه‌ها حاوی هیچ گونه نظریه سیاسی نیست. سیاست به گروه‌ها می‌پردازد. این مجموعه می‌گوید که هیچ گروهی برای جذب علوم غرب عقیم نیست و هر گروهی حاکمیت جهان عقب مانده را به عهده‌بگیرد، مستقل از گرایش سیاسی خود، برای تغییر سرنوشت توسعه ملت خود جز جذب علوم غرب راه دیگری ندارد. این مجموعه را باید در حکم تخلیه بار عاطفی در بیان یک نظریه تمدنی انگاشت و به اجماع و ایمان نخبگان برای تبدیل آن به پلاتنفرم عقلی ملی و بین‌المللی جهان عقب مانده امید بست. مُراد تذکر دهندگان از مسائل اساسی بطور متمرکز سیاست و مسائل سیاسی و حکومتی است. سرخی صراحتاً گوشزد کرده‌اند که طرح چنین پرسش‌هایی دربارهٔ عقب ماندگی موجب به فراموشی سپردن مسائل

عمده و اساسی می شود. طرح مطلب و تکیه بر لزوم جذب علم مغرب زمین، جانشین بحث های دیگر نیست. این بحث جای خود را دارد.

جای این پژوهش در ایران خالی است که چرا اذهان روشنفکران و نخبگان ملی تا این حد به سیاست و آثار آن بها می دهند بترتیبی که جایی برای بقیه شئون زندگی و جلوه های دیگر حیات بویژه اندیشه و تفکر باقی نمی گذارند. پرداختن متمرکز به سیاست آثار خود را در تاریخ ایران به عیان باقی گذارده است و بدون تردید گرایش ذهنی عام به آن بویژه در قاطبه روشنفکران و متفکران نشانه های روشن خود را به عیان گذارده و بی ثمر نبوده است. تاریخچه روشنفکری و سیاسی ایران از نظر در برگرفتن چهره های درخشان و برجسته و امی بدهکار تاریخچه سیاسی هیچ ملتی نیست. نمونه های والا در بین چهره های سیاسی ایران در هر دو سوی حکومتها و مبارزین بسیار پر شمار است. اگر همه ملت عرب با جمعیتی چند برابر جمعیت ایران از چهره شاخصی مانند جمال عبدالناصر بر خوردار است، او خود، خود را شاگرد و پیرو دکتر محمد مصدق ایرانی می داند به ترتیبی که دکتر مصدق در بازگشت از شورای امنیت ابتدا به قاهره می رود و در کنار وی و ژنرال نجیب برای انبوه مردم سخن می راند. هم تراز چهره های دیگر شاخص تاریخ سیاسی جهان مانند گاندی و ماندلا در ایران به راحتی برای همگان قابل اشاره است. از سوی دیگر تاریخچه سیاسی ایران شامل تحولات مکرر و متعدد سیاسی است. هستند تاریخ نویسانی که هر شش یا هفت سال یک تحول عمده سیاسی را در ایران شناسایی کرده اند و شماره نموده اند. در واقع نیز مهم ترین تحولات سیاسی بویژه از نوع انقلابی در ایران و در بین ایرانیان رخ داده است و تعداد و سرعت تحولات سیاسی مشابه در بین کشورهای

عقب مانده یافت نمی شود.

اگر این شواهد انعکاس برداختن متمرکز و مصرّانه نخبگان و روشنفکران ایران به یک شأن ویژه زندگی اجتماعی یعنی سیاست نیست پس چیست؟ آیا در تاریخ ادبیات و شعر معاصر ایران چهره‌یی را می توان شناخت که آثار او فارغ از پرداختن به وجوه اجتماعی و سیاسی باشد. آن دسته از ادیبان و شاعرانی که در برهه‌یی به فرم و صورت پرداختند و به کارهای خود رنگ و لعاب فرمالیسم زدند یا در آثار بعدی خود جبران کردند و یا بکلی از دایره طرح و تعریف اخراج شدند و مورد نقد ویرانگر دیگران قرار گرفتند. تمرکز بر شأن سیاست می تواند دلایل خود را داشته باشد اما نباید از آثار آن غافل ماند. همه تحولات سیاسی به منظور کنار زدن سدّها و ممانعت‌ها از مسیر پیشرفت و توسعه ملی کارسازی می شود. پس از پایان هر مرحله از تحولات سیاسی، انتظار می رود که راه رشد و توسعه هموار شده باشد. اما در تاریخ تحولات سیاسی ایران بدون استثنا موردی نیست که پس از پایان تحوّل و دگرگونی جدی سیاسی رضایت روشنفکران حاصل آمده باشد.

چرا رضایت روشنفکران و نخبگان و پیرو آن توده‌های مردم پس از تحولات متعدّد و مکرّر سیاسی فراهم نمی شود. زیرا جلب رضایت ملی نیازمند حلّ مسائل ملی است. حلّ مسائل ملی اگر هم بعنوان پیش نیاز در گرو رخدادهای سیاسی باشد، پس از طی مرحله تحوّل سیاسی بلافاصله وارد روند دیگری می شود که همه تحولات سیاسی ایران فاقد ظرفیت‌های آن بوده است. حلّ مسائل پس از وقوع تحوّل سیاسی در گرو نیازمند دانش و علم است. در جهان مدرن حلّ مسائل پیچیده به صرف اتکاء بر شور و احساس میسر نیست و کار و تلاش صبورانه علمی اذهان

پیچیده و اندیشه‌های کثیرالابعاد را می‌طلبید. در جهان مدرن نمی‌توان بر اذهان ساده تکیه کرد و حل مسائل اساسی توسعه را با ساده‌ترین سعی و خطاهای تاریخی زندگی ماقبل مدرن اشتباه گرفت. توسعه با هر روش و نحله سیاسی که انتخاب شود جز با جولان اندیشه‌های پیچیده علمی میسر نمی‌شود و تحول کیفی زندگی ملی از نقطه نظر توسعه جز با کار صبورانه علمی محقق نمی‌گردد. نباید در حدود اندیشه و میدان تفکر، اهداف ملی توسعه و عدالت را با هم بیامیزیم. تحولات ملی عدالت طلبانه روند خود را دارد، اما توسعه فرآیند دیگری است که در جهان معاصر استقلال جدی خود را می‌طلبید. توسعه مدیون علم و دانش است و در هر تحول سیاسی بعد توسعه تنها از طریق تعریف علمی مسائل ملی و سپس حل علمی آنها محقق می‌گردد. بدون حل علمی مسائل پیشرفت تمدنی ممکن نیست و همه تلاشهای جانفرسا و ارزشمند عظیم خواهد ماند.

نمی‌توان انتظار داشت که آرزوهای عدالت اجتماعی ملت‌ها از طریق جذب علم محقق شود. اما می‌توان امید داشت که جامعه علمی اندیش بهتر از پس حل مسائل ملی خود و از جمله عدالت اجتماعی و اقتصادی برآید.